



اصطلاح «براندازی نرم» را می‌توان یکی از واژه‌های سیاسی جدید در ادبیات دانست. براندازی نرم در واقع به معنای اقداماتی در چارچوب قانون، با حداقل خشونت یا بدون خشونت و دخالت مبهم بیگانگان جهت دگرگونی نظام سیاسی حاکم یا نخبگان اجرایی در کشور است. تفاوت آن نیز با براندازی سنتی تنها در شکل آن است، در حالی که نتیجه آن یکسان است.در براندازی سنتی، عواملی از قبیل ابزار نظامی و خشونت‌آمیز مانند ترور و بمب‌گذاری مبنای عمل است ولی در براندازی نرم متغیرهای اجتماعی مانند آموزش، ایجاد شناخت و آگاهی نسبت به مسائل مختلف،فراخوان افکار عمومی و… مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این نوع براندازی، تلاش می‌شود در بستری از چارچوب‌های قانونی و ارتباطات اجتماعی، ابتدا میزان مشروعیت و مقبولیت مهاجم در جامعه هدف افزایش یابد و سپس از طریق کانال‌های به‌اصطلاح دموکراتیک و با پشتوانه قدرت اجتماعی، دگرگونی نظام سیاسی یا نخبگان اجرایی محقق شود. از آنچه گفته شد مشخص می‌شود همواره در براندازی نرم، نقش قدرت‌های بی‌بافت ضروری و بسیار «پرهامیت» است. رسانه‌ها و نقش تاثیرگذار آنها در حکومت‌ها، مورد توجه همه احزاب و جریانات سیاسی بوده و هست. در دهه‌های اخیر نقش رسانه از عرصه اطلاع‌رسانی به عرصه تاثیرگذاری بر حکومت‌ها و سیاست‌های کلان کشورها ارتقا یافته است. در انقلاب‌های رنگی یا مخملین در دهه اخیر (مانند فتنه ۱۸۸ این نقش کاملاً مشخص و مشهود شده و صاحب‌نظران را بر آن داشته به بررسی ابعاد قدرت رسانه‌ها در تحولات سیاسی اخیر بپردازند. نومحافظه‌کاران تندرو آمریکایی یکی از گزینه‌های خوش را در برخورد با ایران در موضوعات چالش‌برانگیز تغییر حکومت ایران، روش تغییر از طریق «قدرت نرم» می‌دانند.

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

یک زن در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

تعاریف و مفاهیم

القای شبهات، سوالات و پخش شایعات مختلف قدرت رهبری و سایر مراکز اثرگذار نظام تضعیف شود.

پ- **نفوذ در مراکز قدرت نظام:** باید با تضعیف مراکز نظارتی نظام، مانند شورای نگهبان و هسته‌های گزینش چنان کرد که زمینه‌نفوذ برای هواداران غرب مهیاتر شود.

ت- **بی‌اعتبارسازی رسانه ملی:** رسانه ملی باید به شیوه‌های مختلف به تصرف درآید. حال اگر نشد باید آن را از اعتبار انداخت. سپس رسانه‌های جایگزین مطرح می‌شود که امروز در سایه پیشرفت‌های فناوری دستیابی به آنها کار سختی نیست

ث- **از کار انداختن نیروهای ضدبراندازی:** نیروهای امنیتی و نظامی و انتظامی و نیروهای خودجوش مردمی مهم‌ترین نیروهایی هستند که باید در برابر براندازان بایستند. تویخانه رسانه‌ای دشمن تلاش می‌کند این نیروها را بی‌انگیزه و دستگاه امنیتی یک کشور را تضعیف کند

هرگاه قدرتی قصد داشت حکومتی را از میان بردارد چنانچه توان نظامی این کار را نداشت یا هزینه آن را سنگین می‌دید، سعی می‌کرد با روش‌های مختلفی غیر از حمله نظامی به هدف خویش نائل آید؛ گاه از روش‌های امنیتی و گاه از روش‌های فرهنگی و تبلیغی استفاده می‌کرد. امروز به دلیل پیشرفت‌های شگرف بشری در دانش‌های مختلف و پیدایش نسل جدیدی از رسانه‌ها و نیز گسترش جوامع آزاد و دموکراتیک، همچنین افزایش قدرت دولت‌ها در مقابله با تهدیدات نظامی و امنیتی، رویکرد حکومت‌های استکباری به براندازی نرم، بیش از سابق شده است. استفاده از شیوه‌های نو در این باره نیز کار را چنان جلوه می‌دهد که گویی براندازی نرم، روشی نو برای ساقط کردن حکومت‌های مخالف قدرت‌های استکباری است. امروز به دلیل پیشرفت‌های شگرف بشری در دانش‌های مختلف و پیدایش نسل جدیدی از رسانه‌ها و نیز گسترش جوامع آزاد و دموکراتیک، همچنین افزایش قدرت دولت‌ها در مقابله با تهدیدات نظامی و امنیتی، رویکرد حکومت‌های استکباری به براندازی نرم، بیش از سابق شده است. استفاده از شیوه‌های نو در این باره نیز کار را چنان جلوه می‌دهد که گویی براندازی نرم، روشی نو برای ساقط کردن حکومت‌های مخالف قدرت‌های استکباری است.

بیش از سابق شده است. استفاده از شیوه‌های نو در این باره نیز کار را چنان جلوه می‌دهد که گویی براندازی نرم، روشی نو برای ساقط کردن حکومت‌های مخالف قدرت‌های استکباری است. امروز به دلیل پیشرفت‌های شگرف بشری در دانش‌های مختلف و پیدایش نسل جدیدی از رسانه‌ها و نیز گسترش جوامع آزاد و دموکراتیک، همچنین افزایش قدرت دولت‌ها در مقابله با تهدیدات نظامی و امنیتی، رویکرد حکومت‌های استکباری به براندازی نرم، بیش از سابق شده است. استفاده از شیوه‌های نو در این باره نیز کار را چنان جلوه می‌دهد که گویی براندازی نرم، روشی نو برای ساقط کردن حکومت‌های مخالف قدرت‌های استکباری است.

- مراحل انجام براندازی نرم**

الف- ایجاد اتحاد بین مخالفان نظام: در این مرحله تلاش می‌شود همه مخالفان نظام و سرخوردگان از آن از همه اقشار حتی نظامی و روحانی کنار و انسجام و سازمان پیدا کنند.

ب- **از کار انداختن مراکز کلبندی نظام:** در این مرحله به کمک رسانه‌های غربی یا رسانه‌های وابسته به غرب تلاش می‌شود چهره‌ها و مغز‌های اصلی نظام، بویژه شخص رهبری، حضرت امام خامنه‌ای یسا نزدیکان اصلی ایشان مورد ترور شخصیت قرار گیرند و با

پیرامون نفوذ و ماهیت براندازی نرم

عملیات کیف سیاه

- سجاد عابدی

در ظاهر کشته نمی‌شوند، اما وجدان و معنویت آنها قربانی می‌شود.

و- **تنوع ابزارها:** ابزارهای سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک، و حتی نمایش‌های نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این بین، رسانه‌ها نقش اول را ایفا می‌کنند.

ز- **هزینه پایین:** هزینه‌های نبرد فرهنگی در مقایسه با نبرد نظامی بسیار ناچیز است.

کمیته خطر جاری، عنوان کمیته‌ای است که در دهه ۱۹۷۰ و در اوج جنگ سرد، توسط گروهی از سناتورهای آمریکایی، مسؤولان ارشد وزارت خارجه، اساتید برجسته علوم سیاسی، موسسه مطالعاتی «امریکن اینترپرایز» و گروهی از مدیران سابقه سیا و پنتاگون تاسیس شد.

هدف از تاسیس این کمیته، خروج از بن‌بستی بود که در دوران جنگ سرد میان ۲ ابرقدرت آن زمان یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در توازن هسته‌ای به وجود آمده بود. به‌گونه‌ای که کارشناسان ارشد نظامی به صراحت اعلام کرده بودند در صورت وقوع جنگ هسته‌ای میان ۲ ابرقدرت، هر دو طرف جنگ بازنده خواهند بود، چرا که تسلیحات اتمی در اختیار ۲ قطب پلوک شرق و غرب برای نابودی کامل موجودات زنده کره زمین برای ۲۵۰ بار کفایت می‌کند. در میان اعضای این کمیته در دهه ۷۰ میلادی، اسامی افرادی چون «نیوت گینگریج»، رئیس سابق مجلس نمایندگان، «جورج شولتز»، وزیر خارجه دولت ریگان، «جان لیبرمن»، سناتور دموکرات، «جان کیل» سناتور جمهوریخواه، «جوزف شولتز» از سناتورهای برجسته آمریکایی، «جیمز وولسی» رئیس اسبق سازمان جاسوسی آمریکا، «جورج تنت» از مدیران برجسته سازمان سیا و مسؤول بخش خاورمیانه و رئیس پیشین این سازمان، «ژوزف بایدن» و «مایکل لیدین» از عناصر افراطی یهودیان آمریکا، «مادلینا لبرایت» وزیر اسبق خارجه آمریکا، «کنت پولاک» مدیر تحقیقات مرکز سیاست خاورمیانه‌ای سایان در موسسه «بروکینگز» همچنین مدیر موسسه مطالعات خاور نزدیک وابسته به یهودیان هوادار اسرائیل، «مارک پالمر» از استراتژیست‌های آمریکایی که در کاخ سفید از وی به عنوان یکی از نوآوران سیاست خارجی آمریکا نام می‌برند و «کاندلیزا رایس» وزیر اسبق خارجه آمریکا که در آن زمان قائم‌مقام پنتاگون در حوزه آسیای قفقاز و اتحاد جماهیر شوروی بود، دیده می‌شد. اعضای این کمیته با منتفی دانستن «جنگ سخت» بین ۲ ابرقدرت، تنها راه به زانو درآوردن رقیب را «جنگ نرم» و «فروپاشی از درون» دیده، طراحی و به مرحله اجرا درآوردند.

باید در نظر داشت برای دستیابی به اهداف فوق نیز از استراتژی فشار از بیرون و تغییر از درون استفاده می‌شود. لازم به ذکر است شعار ایجاد دموکراسی و تغییرات مدنی در کشورها، مبتنی بر خواست و منافع کشور مهاجم طراحی می‌شود لذا

کاملاً امری نسبی است و آگاهی و احساس نیاز مردم کشور هدف، منجر به درخواست‌های سیاسی یا در نهایت دگرگونی سیاسی نمی‌شود. براندازی نرم در واقع ماهیتی اجتماعی دارد و طی آن عوامل اجتماعی، براندازی حاکمیت سیستم سیاسی حاکم را به چالش می‌کشد. در این فرآیند سیاسی- اجتماعی، جامعه عرصه مبارزه قدرت و رقابت میان سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی و دولت برای کسب و تثبیت قدرت اجتماعی است. در براندازی نرم طی فرآیندی طولانی و مستمر، بخشی از وفاداری مردم جامعه و مقبولیت نظام به کانون‌های اقتدار دیگری مانند سازمان‌های غیردولتی یا نهادهای قومی منتقل می‌شود. به عبارتی عدم‌اجرای صحیح و موثر کارکردهای دولتی مانند تأمین اجتماعی، رسیدگی به بیماران خاص، امور شهری، تورم، امنیت اجتماعی، تغییر ساختار جمعیت و پیدایش گروه‌های جدید با مطالبات جدید و محدودیت‌های سیاسی به عنوان عوامل تسهیل‌کننده تلقی می‌شوند. اساساً بازیگر خارجی نیز زمانی می‌تواند براندازی نرم را مدیریت کند که زمینه‌های اجتماعی لازم برای شکل‌گیری و گسترش آن در جامعه هدف فراهم باشد. زمینه‌هایی مانند: نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به‌گونه‌ای که امید اندکی برای اصلاح آن متصور باشد. ایجاد و شکل‌گیری سازمان‌ها و گروه‌های غیردولتی که خود را مستعد کنترل و سازماندهی بخشی از جامعه می‌دانند و از ابزارهای مختلف رسانه‌ای و روانی برای تأثیر بر اذهان مردم استفاده می‌کنند، از دیگر راهکارهاست. با توجه به بیانات فرمانده معزز کل قوا حضرت امام خامنه‌ای(مدظله العالی) مبنی بر نفوذ آمریکا: «برادران و خواهران سپاه از صدر تا ذیل بایست به منطق مستحکم انقلاب مجهز باشند چون ضدانقلاب‌ها، امروز از طرق مختلفی وارد می‌شوند. یکی از راه‌های ورود و نفوذ- که حالا در مورد نفوذ هم یک‌کلمه‌ای عرض خواهم کرد؛ ما همینطور مدام درباره نفوذ دشمن تکرار و تأکید می‌کنیم- ایجاد خلل در باورها است؛ باورهای انقلابی و دینی»، لازم به یادآوری است که براندازی نرم یک فرآیند اجتماعی است، لذا حداقل در میان‌دست به نتیجه خواهد رسید. بنابراین ریشه‌های براندازی نرم را باید در نارضایتی مردمی در نتیجه ناکارآمدی نظام سیاسی جست‌وجو کرد. این وضعیت منجر به تقویت گروه‌های غیردولتی برای فراخوان اجتماعی می‌شود که در این حالت جامعه به چند دسته تقسیم می‌شود و فرد نیازهای مالی، روانی و اعتبار اجتماعی خود را از نهادهای متفاوت از حکومت تأمین می‌کند. هر اندازه میزان تأمین این نیازها از نهادهای غیردولتی بیش از نهادهای دولتی باشد، در مقابل میزان وفاداری مردم و نخبگان به نظام حاکم کاهش خواهد یافت. لذا از نگاه مقابل تا زمانی که دولت در جامعه از قدرت فراخوان برخوردار نباشد، روش‌های براندازی نرم کارساز خواهند بود.

تماشای مراسم در واشینگتن، ایالت واشینگتن، آمریکا

تماشای گرفته‌شد و قرار شد در ماه جولای شخصی به نام قطب برای ترتیب امور با دفتر رضا تماس بگیرد. این شخص مراجعه کرد و مبلغ ۵۰ هزار دلار دریافت داشت. او با چرخ‌های دستگه اداری را دروغ بزند، و هر چه زودتر پول قبول ملاحظه‌ای برای رضا بیاورد. اما نه‌تنها پولی آورده نشد بلکه ۵۰ هزار دلار هم در جیب رضا پهلوی رفت.

با سلطان عمان هم تماس گرفته شد. ولی او به آن که تخت و تاجش را رمدیون محمدرضاشاه بود، و بیش از همه انتظار می‌رفت کمک کند روی خود نشان نداد. حتی در همان سال ۱۹۸۲ به درخواست من، آقای اسموک، یکی از مقامات صاحب نفوذ آمریکا، از طریق سفیر عمان تقاضای کمک به رضا پهلوی و برقراری رابطه را به سلطان عمان عرضه کرد. ولی سلطان که می‌خواست روابط حسنه‌اش را با دولت جمهوری اسلامی حفظ کند، این تقاضا را بی‌جواب گذاشت. تنها در سال ۱۹۸۸ بود که ظاهراً کمکی کرد. در این سال به رضا پهلوی پیشنهاد کردم از سلطان قایوس بخواهد مقداری نفت با قیمتی ارزان‌تر از بازار در اختیار ما بگذارد تا از طریق معامله آن صاحب نیمی از پالایشگاه نفتی که برای ترمیف آن نفت تأسیس خواهد شد بشویم. کارها که به مراحل آخر رسید متوجه شد سرم و کله آهی در آنجا پیدا شده است. چون می‌دانستم آهی می‌خواهد از طریق کانال خود عمل کند، و طبق معمول کار را خراب خواهد کرد، از انجام کار چشم پوشیدم. ولی احتمال می‌رود او موفق به گرفتن آن نفت و فروش آن با قیمت بیشتری شده باشد. احتمالاً شایعه همان پول بود که در موقع رفتن رضا پهلوی برای شرکت در جلسه معروف طرفدارانش در لس‌آنجلس به سال ۱۹۸۹ بر سر زبان‌هافتاد.

منبع: **احمد علی مسعود انصاری، «پس از سقوط»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی**

من از زندان مصدق می‌آیم

دکتر محمدحسن سالمی: هنوز آب کفن شه‌ای ۳۰ تیر خشک نشده بود که در ششم مرداد ۳۱ به کاشانی که به او هشتاد داده بود مردم عصبانی‌اند و آوردن وثوق دهان کچی به آنهاست، نوشتد در کارها دخالت نکنید! و جلوی انتقادات مردی را گرفت که جراید خارجی نوشته بودند بزرگ‌ترین مجاهد است و باعث شد ایشان برای مدتی تهران را ترک کند و به نازرن برود. پس از شهمات کردن شاه و کاشانی هم نوبت به مجلس رسید و مصدق با تبلیغات زهرآگین طرفدارانش، ۶ ماه اختیارات قانونی از مجلس گرفت و در حالی که قانون اساسی تفکیک قوا را امری مسلم و غیر قابل دستکاری می‌داند، قوه مقننه، قضائیه و مجریه را قبضه کرد. کسی که ادعا کرده بود اختیار قانونگذاری مانند اجتهاد است و نمی‌توان وکیل در توکیل کرد! با این عمل، دادگستری را به‌بهم‌ریخت تا کسی نتواند علیه او اقدام کند. قبلاً هم مجلس هفدهم را نیم‌بند و فقط با ۸۶ نماینده افتتاح کرده بود. هدف مصدق این بود که اگر مخالفان مانع کارش شدند، مجلس با خارج شدن چند نماینده جبهه ملی از اکثریت بیفتد و «باستراکسیون» جلوی مخالفان را بگیرد. مصدق پس از شاه، کاشانی و مجلس به سراغ شخصیت‌ها رفت. باقیی را که رئیس کمیسیون تحقیق بود و برای احقاق حق بازماندگان شهدای ۳۰ تیر در مجلس فعالیت می‌کرد، بی‌یاور گذاشت و قوام‌السلطنه را که مجلس او را محکوم کرده بود، در کنف حمایت خود گرفت و مدعی شد قانون مجلس، دخالت قوه مقننه در قوققضائیه است، در حالی که خود هر ۳ قوه را در اختیار گرفته بود؛ با این کار دست بقایب را هم کوتاه و حتی او را در مجلس مجازات کرد. مکی از نگاه مصدق تبدیل به سرباز خطاکار و حائز‌یزاده بی‌اثر شدند. هنوز یک ماه از اختیارات ۶ ماهه باقی مانده بود که مصدق از مجلس اختیارات یکساله گرفت و با دوز و کلک و تحریک مردم و تبلیغات دروغ و ست‌نگاران خانه کاشانی، مجلس را فرارنوم بست تا به شاه اختیار عزل بدهد. آنها مرا که با پای خود به زندان رفته بودند قاتل حدادزاده کردند! در حالی که این مصدق بود که خرده احزاب خلق‌الساعه را برای تحریک ملت به خیابان‌ها ریخت و جلوی خانه کاشانی صدها پلیس گماشت که ۱۰۰ متر آن‌طرف‌تر بایستند و دخالتی در جلویی‌گری از کلوخ‌اندازان به منزل آیت‌الله کاشانی نکنند! مهاجمان با چوب‌های درازی که به سرشان چاقوی تیزی بسته بودند، حدادزاده را که از خانه کاشانی خارج شده و با نمره‌ای بر سینه و سری تراشیده از من عکس گرفتند! بنده در ۲۶ مرداد ۶۵ سال پیش با کمک مرحوم نادعلی کریمی- برادر شوهر خواهرم- و مهندس رضوی و با ضمانت ۵۰ هزار تومان آزاد شدم. جرم بنده این بود که به خاطر نهضت و نجات مردم در ۲۷ مرداد نامه آیت‌الله کاشانی را برای مصدق برده بودم. آن روز وقتی خبر دادند هندرسون، سفیر آمریکا آمده است، مصدق که تا آن لحظه زیر پتو دراز کشیده و حال نزاری به خود گرفته بود، به‌سرعت از تختخواب پایین پرید و لباس پوشید و خود من در پوشیدن کت کمکش کردم. او در پاسخ به هشتاد آیت‌الله کاشانی به پشت زد و گفت خدمت ایشان عرض کنم که این حرف توده‌ای است. یاور، نکتیندا بیگنام خروح، «هندرسون» با «علی پاشا صالح» وارد شدند و سفیر آمریکا که من ۵ مرتبه در منزل آیت‌الله کاشانی از او پذیرایی کرده بودم، با تعجب با من دست داد. مصدق هنوز عزل خود را به کلینینه‌اش اطلاع نداده بود اما در آن جلسه ۲ بار به دروغ به هندرسون عزل نشده است. سرلشکر نصیری را که در ساعت یک بعد از نصف شب با اختیاراتی که داشت به زندان فرستاده بود تا مخبرین باخبر نشوند که او کاغذ عزل مصدق را برده است. بعد هم به دکتر سنجابی دستور داد مجسمه‌های شاه و پدرش را پایین بکشند و مردم را تحریک کرد به خیابان‌ها بریزند و روشنفکران از این بلبشویی که مصدق درست کرد، کودتا ساختند! نکته جالب این است که در عصر ۲۸ مرداد، مصدقی که هر لحظه ضف می‌کرد و از حال می‌رفت، با سرعت از چندین نردبام و درخت و تخت کنار دیوار بالا رفت و پایین آمدا موقعی که روی پشت‌بام بودند شایگان گفت: «خیلی بد شد» و مصدق به تندگی گفت: «خیلی هم خوب شد! به‌جای اینکه رجاه‌ها ما را ببرند، ۲ ابرقدرت ما را بردند» بر خلاف نوشته «جان اف‌کندی» در کتاب «سیمای شجاعان» کسانی که حقیقت اسطوره‌شدو نفوذ چهلگنبر ضداستعمار ایران به خاطر کسب وجاحت ملی توسط او از هم پاشید و از بین رفت و نیم‌قرن دیگر زیر سلطه استعمار و استبداد زندگی کردیم.

منبع: **موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران**